

تغذیه ایرانیان در

طول تاریخ

(۶)

دکتر منوچهر سعادت نوری

ها و داروها و عصاره های مفید را در جایی فراهم ساخت. هر يك از رعایا که رنجور میشد کوروش پزشکان خود را بمداوی مریض مأمور مینمود و همینکه بیمار شفا می یافت از طبیب معالج قدردانی میکرد ، (۱) .

ایران در زمان داریوش کبیر واسطه مبادلات مسائل تغذیه درمانی بین هند و یونان نیز بوده است (۳۰۲) و مساقلا باین موضوع ضمن بحث پیرامون نقش ایران در تبادل فرهنگ تغذیه بین ممالک نلمبرده اشاره کردیم.

تغذیه درمانی نیز در تاریخ ایران سابقه طولانی دارد و از زمان کوروش کبیر شاهنشاه هخامنشی، مرکزی در ایران وجود داشته است که در آن انواع معجون ها و شربت ها و عصاره های مفید را تهیه و نگاهداری مینموده اند و پزشکان با استفاده از مواد فوق بیماران خود را درمان و مداوا می کرده اند .

گزنفون مینویسد : « کوروش مشاهده میکرد که چون مردم سالمند با رغبت و جهد بسیار باصلاح وضع خود میکوشند و آنچه برای ادامه صحت و عاقبت خویش لازم دارند جمع و ذخیره و پیش بینی مینمایند در صورتیکه چون مریض و عللیل شوند نسبت بهمه چیز و همه کار بسی قید میشوند . برای اصلاح این نقیمه شاهنشاه هخامنشی پزشکان مجرب را گرد خود فراخواند و انواع معجون ها و شربت

لازم بیادآوری است که داریوش کبیر بکشت نباتات مفید که امروزه استفاده از آنها در گیاه پزشکی حائز اهمیت فراوان است شائق و علاقه مند بوده و مصرف آنها را بین سایر ملل نیز ترویج و متداول کرده است. مؤلف تاریخ اجتماعی ایران باستان مینویسد داریوش کبیر در نامه ای که به کاداتاس (یکی از حکام) فرستاده و این نامه عیناً بدست آمده دستور داده که نباتات و درختان مشرق زمین را دپسوریه و آسیای میانه بکار و ترویج دهد و بر اساس همین توصیه ایرانیان در ناحیه دمشق از آسیای میانه کشت یک نوع مو و درخت انگور را که در ایران بمعمل می‌آمد و برای تهیه شراب عالی بکار میرفت معمول داشتند و کشت درخت پسته برای اولین مرتبه در حلب و خرما در یونان و برنج در آسیای میانه بوسیله آنان ترویج گردید (۴).

لزوم افزایش مواد غذایی، ایرانیان هخامنشی را بانجام تحولاتی در امور کشاورزی و آبیاری نیز رهنمون ساخته است. مؤلف تاریخ کشاورزی ایران مینویسد: «ایرانیان هخامنشی در مهندسی زراعی و سدسازی و کندن کانال های بزرگ و ساختمان های روستائی کارهای بزرگ انجام داده اند. دکتر هرتسفلد (ایران شناس آلمانی) ضمن مطالعات و تحقیقات خود در تخت جمشید به مجاری زیرزمینی پیچاپیچ فاضل آب رسیده است که درازای آن چندین کیلومتر است و نمونه دیگر مخزن های آب زیرزمینی است که بظرفیت عظیمی باقطعه سنگهای بزرگ در حدود ۱۴ متر دردل زمین ساخته شده است. سد بزرگی که مهندسین ایرانی در حدود میانه سند و خوارزم ساخته بودند موجب شگفتی هردوت مورخ یونانی گردیده و آنرا از شگفتی های صنعت دانسته است.

با این سد، دولت ایران زمینهای پهناور زراعتی را که تفسه آن آنها بود آباد میکرد و بدینوسیله نه تنها قبایل سرکش را بدون خونریزی رام و فرمانبردار میساخت بلکه آنها را بزندگانی شرافتمندانه کشاورزی مأنوس مینمود» (۵)

بواسطه شرایط مساعد کشاورزی و آبیاری در دوران هخامنشی اکثر ایالات حاصلخیز ایران گندم و جو و حبوبات و غیره زیاد بعمل میآوردند و قرائن مستند تاریخی حاکی از این است که کشت گندم برای اولین بار در فلات ایران بعمل آمده است. عبارت دیگر این قوت ارزنده از این سرزمین بسایر نقاط دنیا برده شده و وسیله مهم تغذیه هزاران نفر از افراد جامعه بشری را فراهم آورده است. بعلاوه شاهنشاهان هخامنشی برای توسعه و تشویق کشت محصولات غذائی نامبرده مقرر داشته بودند که هر کس زمینهای بیحاصل را بواسطه کشت و آبیاری آباد کند تا پنج پست عایدات آن زمینها از آن او و اعقابش باشد و از نوشتههای هرودوت چنین مستفاد میشود که شاهنشاهان هخامنشی سدهائی در رود مرغاب بسته بودند تا اراضی مجاور را آبیاری کنند (۶).

ج. ه. آلیف در تأیید مطالب فوق مینویسد: «کاریز یا قنات، يك اختراع بسیار مدبرانه ایرانی است که اذدوره های بسیار قدیم در ایران معمول بود و حتی پولی بیوس مورخ یونانی هم از آن ذکر کرده است. این ابداع ایرانی بهترین و هوشمندانه ترین راه آبیاری و حاصلخیز کردن جلگههایی است که درادور آنها را کوه فرا گرفته است.

کاریز عبارت از راهروی زیرزمینی تنگی است که از طبقات آب خیز کوهها شروع و در بین راه برای تهویه و دسترسی بآن بوسیله چاههای منظمی با سطح زمین مربوط میشود تا اینکه در مظهر قنات آب بر زمین جاری شود. ایرانیان قدیم با حفر جویها و قناتهای زیرزمینی آب فراوان از منابع دوردست برای باغها نیز بدست میآوردند. بعدها این فکر در بسیاری از سرزمینهای دیگر خاورمیانه تقلید شده و حتی در حال حاضر در املاک پادشاه اردن در دره رود اردن از آن استفاده میشود» (۷).

گزنقون نیز در ضمن شرح مسافرت خود در ایران نوشته است: «در سفر دو روزه هشت فرسنگ راه پیمودم و در بین راه از وترعه گذشتم یکی را بوسیله پل و دیگری را بیاری قایقهای ته پهن. ترعه هارا از دجله احداث کرده بودند و از هر ترعه جویهای متعددی کنده شده که به رسو روان است.

سد های بزرگی نیز بهمین منظور آبیاری از آبهای دجله در نقاط مختلف و فرات و کارون و رودهای دیگر ایران هخامنشی کشیده شده بود که برای آبادی زمین های دور دست بکار میرفته است « (۱)

غذا و آب ایران جای ویژه ای در سفره بعضی شاهنشاهان هخامنشی داشته است و بنا بقول هرودوت کوروش هنگامی که میخواست بچنگ « لابی نت » پسر « نی تو کریس » ملکه بابل بروو ازخانه اش آذوقه و مقداری آب رودخانه خواصپ (کرخه امروزی) راکه برای او جوشانده و در پیت های نقره پر کرده بودند برگرفت زیرا شاه فقط آب این رود را می آشامید (۶) .

مؤلف تاریخ طب ایران نیز مینویسد : « معروفست خشایارشا بهر جا که میرفت آب ممالک خارجه را نمی نوشید و همیشه آب مخصوص از ایران برایش برده میشد « (۳)

بعد از فتح شوش توسط اسکندر : بعضی خوراکیها از یونان بشهرهای ایران و بویژه شوش وارد گردید و در معرض استفادہ مردم قرار داده شد . آدپون سومر مینویسد : « در آن زمان روابط بازرگانی مداوم و رفت و آمد منظم بین شوش و شهرهای یونانی اژه برقرار شده بود و بهمین دلیل است که در کاوشهای اخیر کوزه هایی پیدا شده که مهر یونانی آنها نشان میدهد که روغن یا شراب یا زیتون از یونان بدانجا فرستاده میشده است « (۲)

تفدیه ایرانیان اشکانی (پارت ها) کم و بیش بمثابه دوره هخامنشی بوده و آبیاری و کشت و زرع از نظر تأمین مواد غذایی مورد لزوم بیش از پیش مورد توجه بوده است . نیلسون دوپو از مؤلف تاریخ سیاسی پارت مینویسد : « در زمان پارت ها و پیرانه های بلاد قدیم که سالها بصورت تلهای خاکی افتاده و متروک مانده بود آباد گشت . پارتها مجاری میاه تازه حفر کردند و ترعه های کهن را لای روب نمودند و مشرق زمین را حیاتی تازه بخشیدند . ترعه یا کانال عظیم نهروان در مشرق دجله و شعب و فروع عدیده آن شاید از ابنیه و آثار عصر اشکانی باشد (۸) .

ه.ج. آیلیف ضمن اشاره باینکه در زمان سلطنت مهرداد دوم ایران اشکانی با چین و روم ارتباط پیدا نمود مطالبی در مورد بعضی خوراکیهای آن عصر ارائه می دهد . وی مینویسد : « یکی از هیئت های اعزامی توسط امپراطوران سلسله هان در چین که برای تهیه گزارش از سرزمین های دور دست رفته بود در تحت فرماندهی شخصی موسوم به چانگ کی یین بالاخره بیسارت رسید و

گزارشی داده که در حال حاضر هم موجود است .
 در این گزارش محصولات کشاورزی کشور پارت ذکر شده است . بیشتر
 در نتیجه این گزارش و مسافرت این هیئت اعزامی چین بود که راه کاروان رو ،
 میان چین و ایران از طریق ترکستان چین آغاز شد و در این شاهراه عظیم علاوه
 بر ابریشم که بعدها نام خود را باین جاده داد کالاهای بسیاری حمل می شد .
 ظاهراً هر دو طرف معامله یعنی چین و پارت بمیوه هائی که در سرزمین های
 دیگری میروئید علاقه داشتند . زردآلو و هلو از چین بایران آمد و انار که
 در چین معروف به « میوه پارت » است از ایران بچین رفت . اشکانیان شتر
 عربستان را ببلخ میفرستادند و اسب معروف ایرانی و شتر مرغ بابل (که
 معروف به پرندۀ پارت شد) نیز بچین صادر میشد (۷)

گیرشمن ضمن بیان تاریخچه روابط ایران و سایر ممالک و اشاره بوضع
 اقتصادی اجتماعی جامعه ایرانی در عصر اشکانیان مینویسد : « فن کشاورزی
 که در دوره یونانیان (سلسله سلوکیه در ایران : م. س. ن) بطرزی بسیار عالی
 رسیده بود و بآنحطاط گذاشت اما پرورش حیوانات اهلی و مخصوصاً پرندگان
 که در بازارهای خارجی مشتری بسیار داشت ترقی کرد . در تمقیب نخستین
 سفارتهائی که چین بایران فرستاد مو و خیار و پیاز و زعفران در شاهنشاهی
 آسمانی (چین) وارد شد و در آن کشور شروع بکاشت آنها کردند . در عوض
 ایران از چین زردآلو و هلو و سپس کرم ابریشم وارد کرد . نیشکر از هند وارد
 میشد و در همان سال بکاشت آن شروع کردند (۹) .

راجع بمادات غذائی اشکانیان اطلاعات زیادی در دست نیست ولی آنچه
 معلوم است اینست که ایرانیان اشکانی همه قسم گوشت میخوردند ، شراب
 خرما زیاد میآشامیدند ، شکار را دوست میداشتند و بمانند زرتشتیان احترام
 زیادی برای آب قایل بودند . مؤلف ایران باستان بعد از تأیید مطالب فوق
 مینویسد :

« نجبای پارتی اساساً در اوایل دولتشان در وقت خوردن و آشامیدن
 معتدل بودند ولی بعدها به پر خوردن و زیاد آشامیدن عادت کردند » (۶) .
 ذکر یکی از عادات مهرداد ششم پادشاه اشکانی در این قسمت مناسب بنظر
 میرسد و چنانکه مؤلف تاریخ طب ایران نقل مینماید . مهرداد مردی
 محتاط بود و چون ترس آنرا داشت که روزی توسط سردارانش مسموم گردد

خود را بزهر خوردن عادت داده بود. و آنقدر این امر را ادامه داد که بمیزان زیاد و مهلك سم دروی اثر نمی نمود.

اتفاقاً در جنگ با رومیان شکست خورد و از این شکست بسیار متغیر گردید و ننگ شکست را نتوانست تحمل کند. لذا درصدد خودکشی برآمد و هرچه زهر خورد دروی مؤثر واقع نشد. آنگاه بیکي از افرادش دستور داد تا او را با ضربت خنجر بکشد، او نیز چنین کرد و بزندگی مهرداد خاتمه داد بر اساس ماجرای فوق اتول بقمان مؤلف تاریخ طب مصور آمریکائی مهرداد ششم را بعنوان اولین ایمن شناس تاریخ معرفی نموده است. (۳) و مکانیسم تولید ایمنی بعلت وجود پادزهر در مقابل زهر بسادگی در عادت زهر خواری مهرداد ششم و ایمنیت او توجیه میشود.

- ۱ - کودوش نامه : تألیف گزنفون - ترجمه مهندس رضا مشایخی (۱۳۴۲) - انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب - تهران .
- ۲ - تمدن ایرانی : تألیف چندتن از خاورشناسان فرانسوی - ترجمه دکتر عیسی بهنام (۱۳۴۶) - انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران .
- ۳ - تاریخ طب ایران : تألیف دکتر محمود نجم آبادی (۱۳۴۱) - مجلد اول - تهران .
- ۴ - تاریخ اجتماعی ایران باستان : تألیف دکتر موسی جوان (۱۳۴۰) تهران .
- ۵ - تاریخ کشاورزی ایران : تألیف دکتر تقی بهرامی (۱۳۳۰) - انتشارات دانشگاه تهران - تهران
- ۶ - ایران باستان : تألیف حسن پیرنیا (۱۳۳۱ و ۱۳۳۲) مجلدات اول و دوم و سوم - انتشارات ابن سینا - تهران .
- ۷ - میراث ایران : تألیف چندتن از خاورشناسان (۱۳۳۶) - انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب - تهران .
- ۸ - تاریخ سیاسی پارت : تألیف نیلسون دو بواز - ترجمه علی اصغر حکمت (۱۳۴۴) - انتشارات ابن سینا - تهران .
- ۹ - ایران : تألیف گیرشمن - ترجمه دکتر محمد معین (۱۳۴۴) - انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب - تهران .